

تقابل سنت و مدرنیته در هنر ایران از دوره ی مشروطه آغاز شده و اکثر هنرمندان ایرانی همچنان در مواجهه با آن در مرحله ی گذار قرار دارند و هنوز به هویتی با ثبات دست نیافته اند، حتی می توان چنین گفت که توده ای از نسل نو همچنان در جستجوی زبانی نو بر قلمرو برداشت های هنرمندان پیشین گام می زنند و شاهد این ادعا را می توان حضور پایدار نشانه ها، رنگها و ترکیب بندی های مکتب سقاخانه ای در آثار بسیاری از هنرمندان نسل نوي ایران دانست و گاه در آثاری معلق میان سرزمینی سنتی و آسمانی مدرن.

این گروه از نسل جوان نه در پی علت تقابل میان سنت و مدرنیته است که بیشتر در پی دستیابی به همزیستی میان این دو پدیده می پردازد. از این رو آثارشان نه در بردارنده ی پاسخ بلکه بیان کننده و یادآور این گمگشتگی و تناقض است، آنگونه که رویین پاکباز می گوید "نوگرایی ما و واکنش در برابر آن در متن زندگی فرهنگی و تناقض های آن معنا پیدا می کند."

حضور پررنگ فضاهای شهری گویی این پرسش را ایجاد می کند که هویت مکانی من کجاست و می توان آن را کنکاش هنرمند برای یافتن هویت خویش تعریف کرد. ردپای این معنا در مجموعه ی پیش رو به خوبی قابل دریافت است با اینحال عدم قطعیت در یافتن گریزگاه

همچنان به چشم می خورد . گویی این مجموعه نوعی  
یادآوری است از دست و پنجه نرم کردن انسان معاصر  
ایرانی برای متمایز کردن اثر انگشت خود  
( همتی )  
... ( فاطمه